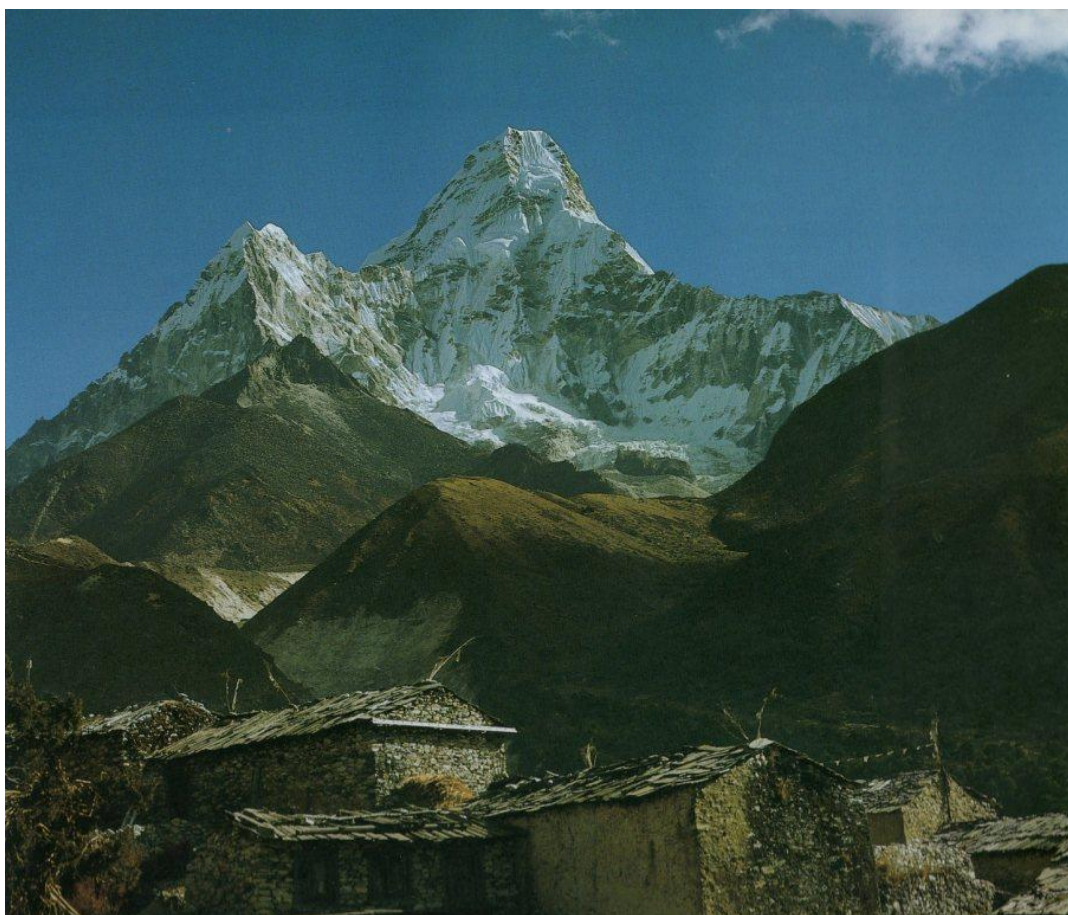


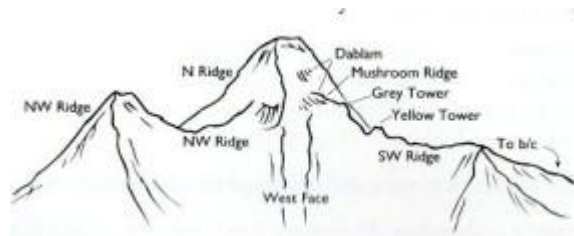
آمادابلام ۶۸۵۶ متر

یال جنوب غربی / رخ شمال شرقی

"صعودی تقریباً کامل بر روی کوهی تقریباً کامل"، توصیف سو گیلر (Sue Giller) آمریکایی از صعودش بر روی یال جنوبی غربی آمادابلام (Ama Dablam) در سال ۱۹۸۲ بود؛ از حق نگذیریم آمادابلام یکی از کوه های کلاسیک در همالیا است. یال جنوب غربی مسیر اولین صعود کوه در سال ۱۹۶۶ بود که توسط هیئتی به سرپرستی ادموند هیلاری صورت گرفت. او پیش از آن گفته بود که این کوه "غیر قابل صعود" است، و بعد از مدتی نظر خود را تغییر داد "به میزان جالب توجهی مشکل". امروزه صعود آن دور از ذهن نیست و می توان فهمید چرا یکی از خوش ترکیب ترین قله همالیا تا این اندازه بر طرفدار است.



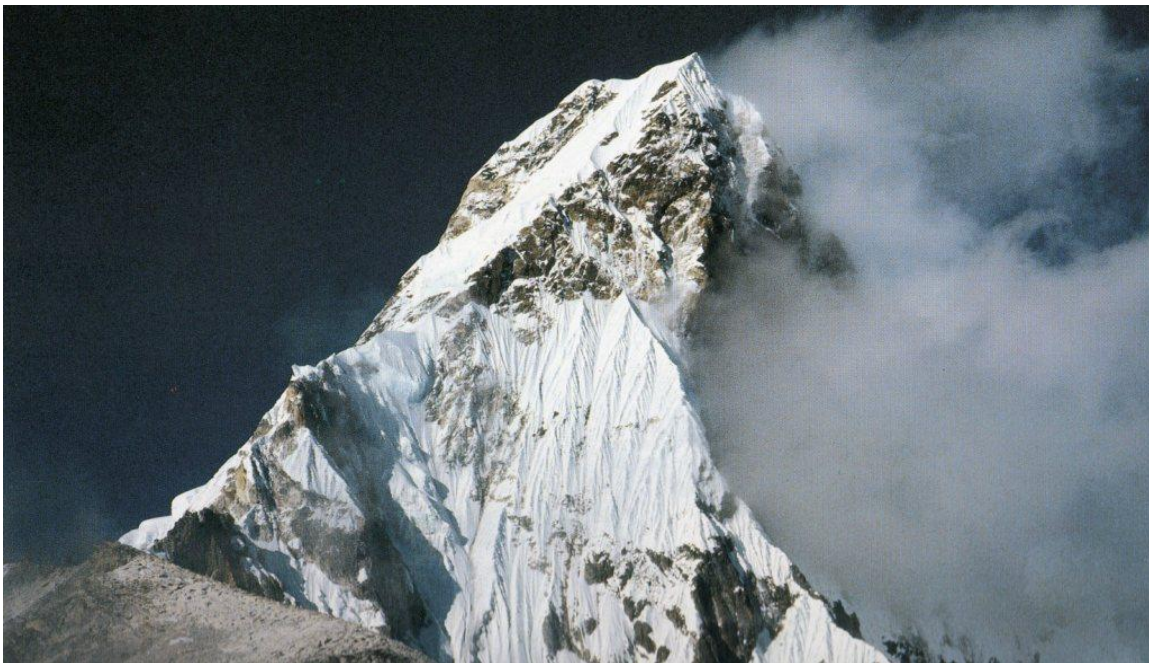
آمادابلام با تقارن زیبایی آن که از پانگیوجه دیده می شود. (برایان هال (Brian Hall)).



هیئت ۱۹۶۱ بیشتر هدف علمی را دنبال می کرد. آنها مدت ۱۰ ماه را در ارتفاعات همالیا گذراندند تا تاثیر منفی ارتفاع بالا و در مقابل تاثیر مثبت هم هوایی را بر روی فیزیولوژی انسان مطالعه کنند. در ماه مه بعد از سپری کردن ماه ها درون یک اتاقک در ارتفاع ۵۷۰۰ متری و تلاش بسیار جدی را بر روی ماکالو، پنجمین قله مرتفع دنیا، و بدون استفاده از اکسیژن کمکی انجام دادند. تام نویسون آمریکایی (Tom Nevison)، شریا آنولو (Annullu)، و پیتر مالگرو (Peter Mulgrew) تا ۱۲۰ متری قله از مسیر اولین صعود پیش رفته بودند که حال مالگرو خراب شد و آنها در تلاشی حماسی او را به پایین منتقل کردند، در حالی که نویسون نیز به دلیل گرفتگی ریوی حال و روز خوبی نداشت. مالگرو دچار سرمازدگی شدید شد و هر دو پایش از پایین زانو و بسیاری از انگشتان دستش را از دست داد. در حین پایین آوردن او همچنین خود هیلاری در ارتفاع ۵۸۰ متری سخته خفیفی کرد و دکتر بریتانیایی تیم مایکل وارد (Michael Ward) به دلیل ادم به کما رفت. در این حادثه هیچ کس کشته نشد، اگر چه چند نفر فاصله چندانی هم تا مرگ نداشتند، ولی به طرز دردناکی نشان داده شد که اقامت طولانی در ارتفاع بالاتر از ۵۵۰۰ متر می تواند چه عواقبی داشته باشد.

ماکالو یک فاجعه بود ولی دو ماه قبل از آن و زمانی که تیم هنوز سرحال بود توانسته بودند صعود امن و کنترل شده ای را بر روی آمادابلام به انجام رسانند. مایکل وارد بریتانیایی، والی رومانس (Wally Romanès) و مایکل گیل (Michael Gill) اهل نیوزلند، و بری بیشاپ (Barry Bishop) آمریکایی آستین بالا زدند. به مدت ۳ هفته ۵۰۰ متر طناب ثابت بر روی یال کار گذاشتند، با سنگ و یخ های پرشیب و سرمای شدیدی دست و پنجه نرم کردند. در ۱۳ مارس موفق شدند قله را صعود کنند که یکی از معدود قللی باشد که برای اولین بار در زمستان صعود شده است. این صعود یکی از فنی ترین صعودهایی بود که تا آن زمان در همالیا صورت گرفته بود بطوریکه آن را با صعود بوناتی و ماوری در سال ۱۹۵۷ بر روی گاشربروم IV مقایسه می کردند، اگر چه در ارتفاعی پایین تر.

آمادابلام به معنی "جعبه باطل السحر مادر" است. "آما" اشاره دارد به یالهای گسترده کوه که همچون دستان گشاده مادری دره مینگبو (Mingbo) را محافظت می کند. "دابلام" به معنی آویزهایی است که زنان به لباسهای خود می آویزند و تصاویر خدایگان را در آن قرار می دهند؛ "دابلام" اشاره دارد به دو یخچال معلقی که در قسمتهای بالای رخ غربی قرار دارند. یخچال معلق بالایی بخصوص بر منظره بسیار احاطه دارد و به این کوه که بیش از هر قله ای از آن عکاسی شده است روح بخشیده است. این یخچال بسیار خطرناک نیز هست و تمام رخ را تهدید می کند. تیم ۱۹۶۱ آخرین بارگاه خود را در ایوانی که قسمتهای پایینی این یخچال ساخته بود برپا کردند؛ کاری که همه تیمهایی که بعد از دومین صعود قله در سال ۱۹۷۹ انجام دادند نیز از آن تبعیت نمودند. یکی از پیامدهای صعودهای مکرر به این قله، که بسیاری از آنها تجاری هستند، رها سازی مقادیر زیاد طنابهای ثابت بر روی قسمت افقی یال است. طنابهایی که برای برگشت بخصوص بسیار مفید به فایده هستند. این موضوع به این معنی است که صعود هر چقدر زیباست نمی توان انتظار یک صعود سبکبار واقعی را از آن داشت. خوشبختانه معمولاً شریکهای پانگبوچه (Pangbu) در فصل پاییز تمام طنابهای ثابت را جمع می کنند تا در بازار به فروش رسانند. به این ترتیب حداقل اولین تیمی که وارد منطقه شود می تواند در مسیر تمیزی قدم گذارد.

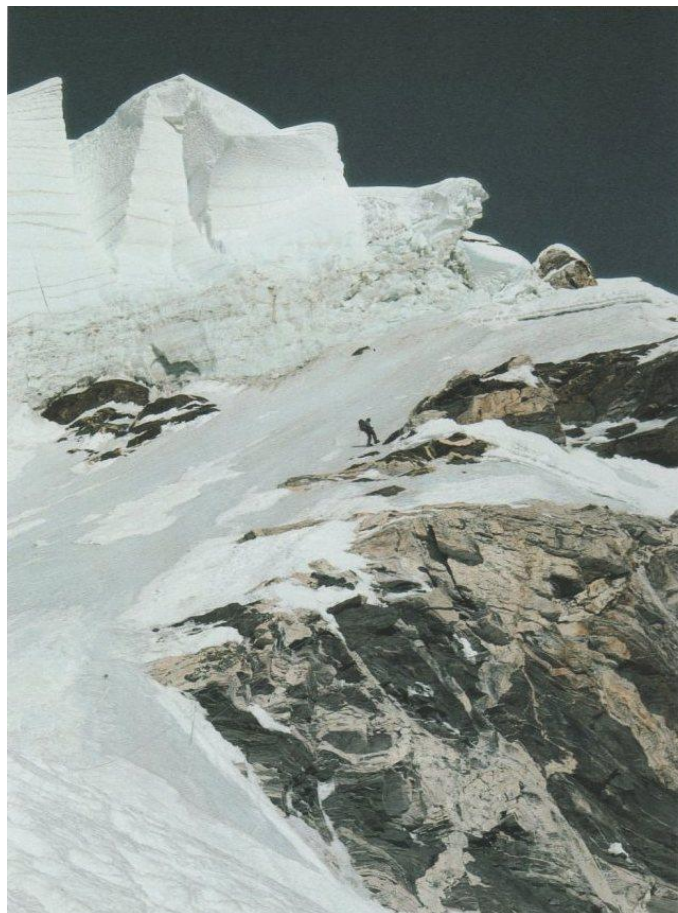


شیب راه های فراواقعی جبهه جنوبی در سال ۱۹۷۹ توسط جف لو به صورت انفرادی صعود شد. یال لاگوناک که در سال ۱۹۸۵

توسط تیم آمریکایی-اسپانیایی صعود شد در سمت راست و یال جنوب غربی در سمت چپ دیده می شوند. (بیل اوکانر (Bill

))O'Conner

برای آنها که به دنبال مسیرهای کمتر شناخته شده هستند آمادابلام تعداد متناهی مسیرهای صعود شده ولی تکرار نشده در اختیار می گذارد. در سال ۱۹۷۹ جف لو به تنهایی صعود شاخصی را از طریق رخ مشکل جنوبی به انجام رساند. مسیر او درست از زیر دیواره عمودی انتهایی به مسیر عادی منتهی می شود. پاییز آن سال تیمی فرانسوی به سرپرستی لویی آدوبر (Louis Adouber) یال شمالی را صعود کرد. این یال حداقل تا به حال سه بار دیگر صعود شده است. مسیر خوبی است که از یال جنوب غربی مشکلتر است؛ یالی که در ابتدا محتاج صخره نوردی است و در نزدیک قله نقاب های فراوان و بسیار خطرناکی دارد. در حالی که فرانسوی ها بر روی یال شمالی تلاش می کردند، حادثه ناگواری برای تیمی از نیوزلند رخ داد که بر روی رخ غربی تلاش می نمودند. بخشی از یخچال معلق بالایی فروریخت و تیم آنها را در هم کوبید. کن هیزلپ (Ken Hyslop) در این حادثه کشته شد و پیتر هیلاری (Peter Hillary) و دو همنورد دیگرش مجروح شدند. این جبهه طبیعتا بسیار خطرناک است اما توسط کوهنورد شاخص چک، میری اشמיד (Miri Smid)، به صورت انفرادی در سال ۱۹۸۷ صعود شده است.



کوهنوردی که در برابر تکه های یخ دابلام همچون کوتوله ای به نظر می رسد، در حال فرود به آخرین بارگاه از منطقه قله است. در روزی که این تصویر گرفته شد تکه ای بزرگ از این یخها جدا شده و تمام رخ غربی را جارو کرد. (آلکس مکناب (Alex McNab))

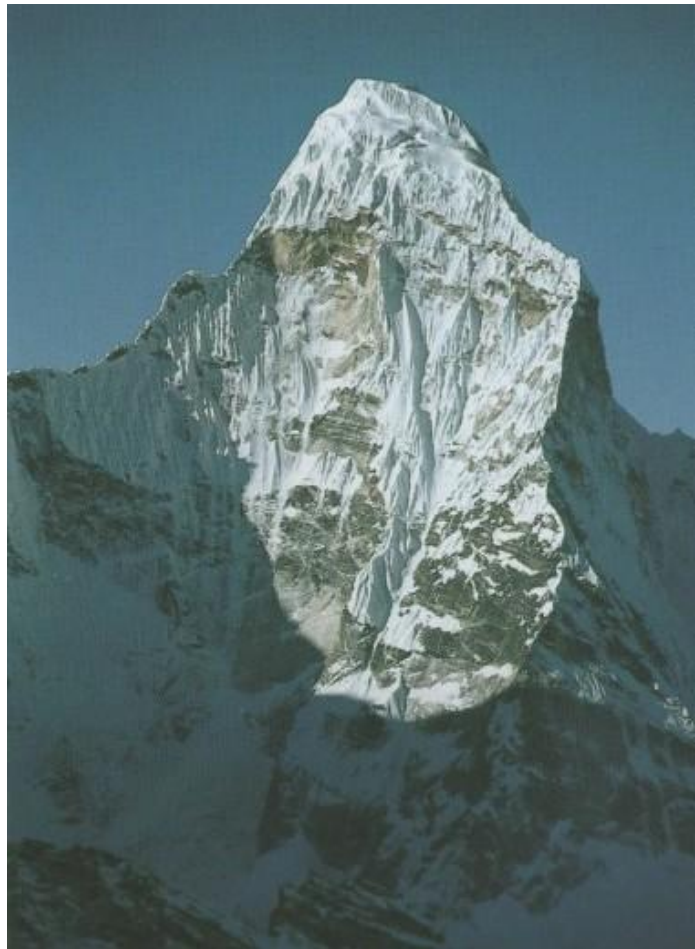
دو مسیر دیگر در سال ۱۹۸۵ اضافه شدند. در ماه نوامبر هومن آپرین و رندی هارینگتون (Randy Harington) آمریکایی به همراه مارتین زابالتا (Martin Zabeleta) اسپانیایی یال جنوب شرقی موسوم به لاگوناک (Lagunak) را صعود نمودند. این مسیر نیز کمی مشکلتر از مسیر عادی است و مشکلترین قسمتها قارچهای برفی و شیب راهه ها هستند. در جایی که مسیر به دیواره انتهایی جنوب شرقی می رسد آنها به سمت چپ و به سمت انتهایی مسیر عادی تروراس کردند. ماه بعد شاهد صعود چشمگیر دیگری به روش سبکبار بود که این بار از طریق رخ شمال شرقی صورت گرفت. این جبهه از چشم اغلب افراد، مگر آنهایی که بر روی آیلندپیک یا لوتسه صعود می کنند، یا آنها که در ارتفاعات بالای اورست قرار دارند، پنهان است و البته بسیار دشوار و خطرناک.



وضعیتی معمول در یال جنوب غربی در نزدیکی ابتدای برج زرد.
در دور دست قله های معروف کانتگا (Kantega) و تامسرکو
(Tramserku) دیده می شوند. (بیل اوکانر)

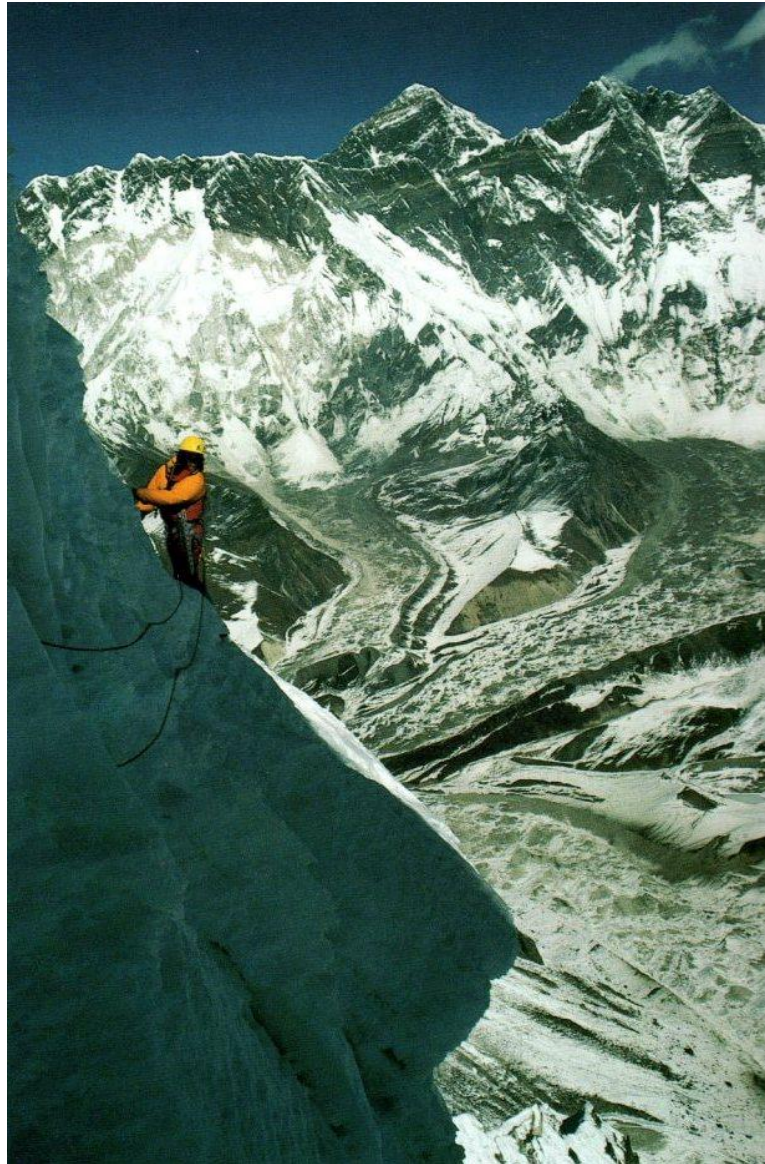
خطرات آن با صعود در زمستان که دمای روز بسیار پایین تر از نقطه انجماد است به حداقل رسید؛ دشواری های فنی توسط تیم بسیار باتجربه کارلوس بوهرلر (Carlos Buhler) و مایکل کندی (Michael Kennedy) به چالش کشیده شد. آنها از رگه برفی مشخصی که در میانه جبهه دیده می شود صعود نمودند. مشکلات فنی عمدتاً یخ بر روی صخره، یخ های آبشاری، و برفهای ناپایدار بود. کندی در مورد این آخری AAIJ چنین می نویسد: "برف که اغلب کوهنوردان آن را خسته کننده توصیف می کنند، می تواند تنوع خارق العاده ای از شکل، جنس و

چسبندگی داشته باشد. و تکنیکهای صعود آن که اگرچه زیبایی صعود بر روی یخ را ندارند اما در نوع خود بسیار پیچیده و دشوارند. مثال خوب برف ۵.۱۰ است. معمولا بر روی صخره های عمودی قرار دارند و چسبندگی شکر نمناک را دارند. وسایل مدرن که برای یخ نوردی حکم نان شب را دارند در اینجا به هیچ دردی نمی خوردند. روش مطلوب این است که مشت خود را تا جایی که می توانید در درون برف بکویید. سپس با پاها باید برف را به پایین تا جایی فشار دهید که بتواند وزن شما را تحمل کند! این مسیر بخوبی سره را از ناسره جدا می کرد اما یک امتیاز برف عمیق آن این بود که می توانستند برای شب طولانی و سردی که بر روی دیواره سپری کردند حداقل سکویی درست کنند. بعد از ۱۰ سال این مسیر هنوز تکرار نشده است اما طولی نخواهد انجامید که دیگران آن را بار دیگر صعود کنند چرا که مسیری بسیار جالب توجه است. برای یخنوردان متبحر و سریع با پیشینه کوهنوردی این مسیری مستقیم و ایده آل بر روی آمادابلام است. با این حال به نظر می رسد مسیر تنها در زمستان قابل صعود باشد و حتی در این شرایط خطر عبور از دهلیز بزرگی که رو به سمت راست قرار گرفته تا رسیدن به رگه یخی همچنان وجود داشته باشد.



این عکس از رخ شرقی را مایکل کندی در دسامبر ۱۹۸۵ از قله آیلندپیک و درست قبل از صعود همین رخ به همراه هموردش کارلوس بوهرلر گرفته است. بعد از گذر از دهلیز خطرناک در سمت راست، مسیر آنها بر روی رگه منحنی یخ و برف مرکزی ادامه می یابد. بعد از گذشت ۱۰ سال این مسیر صعود مجددی بر خود ندیده است، بر خلاف یال شمالی در سمت راست که چندین بار صعود شده است. (مایکل کندی)

بارگاه اصلی عادی این سمت کوه در ارتفاع ۵۰۰۰ متری در پای یال جنوبی است. کندی و بوهرلر مجبور شدند به دلیل برف زمستانی مقدرای پایین تر و بر سبزه زارهای شانگو (Shanggo) بارگاه اصلی خود را برپا کنند. آنها بعد از موفقیت شان بر روی رخ شمال شرقی از مسیر عادی یال جنوب غربی بازگشتند و در فرود گاه از طنابهای باقی مانده از پاییز استفاده نمودند. با شناخته تر شدن این مسیر به عنوان یک مسیر امن گروه های بیشتری از آن برای فرود استفاده می کنند.



کارلوس بوهرلر که فضای زیادی زیر پایش خالی است، در حال عبور از نقابهای انتهایی رخ شرقی است. پشت سر او یخچال وسیع ایمجا (Imja) و سپس دیواره عظیم جنوبی لوتسه دیده می شود، دیواره ای که در سالهای دهه ۱۹۸۰ شاهد چندین تلاش بر روی خود بود. تومو سزن مدعی شد آن را صعود کرده است، ادعایی که بسیاری آن را نپذیرفته اند. روسها در سال ۱۹۹۰ بدون هیچ شک و شبه ای آن را صعود کردند. از پس دیواره جنوبی قله اورست نیز خود نمایی می کند.

عکس و نقشه صفحات ۳۱۲ و ۳۱۳ قسمتهای اصلی یال جنوب غربی را نشان می دهند. بر خلاف اغلب مسیرها در هیمالیا می توان بدون پا نهادن بر روی هیچ یخچالی به این مسیر رسید. شیب های تند بر روی دامنه های

جنوبی شما را به یال اصلی در ارتفاع ۵۸۰۰ متر می رساند. سپس باید ۵۰۰ متر دیگر بر روی یال پیش رفت در حالیکه فقط ۱۰۰ متر ارتفاع گرفته می شود. صعود عمدتاً بر روی صخره است، بیشتر بر روی خود یال و گاه پایین تر، معمولاً در سمت راست. درجه دشواری آن از II تا V متغیر است. مهم تر از همه اینکه صعود لذت بخش است، بر روی صخره های گرانیتی که در انتها بر روی یک "برج زرد" با یک طول VI به اوج می رسد. بیشتر گروه ها در این نقطه بارگاه دوم خود را بر پا می کنند. حال بالاخره کمی ارتفاع گرفته می شود. اولین پله "برج خاکستری" دارای صخره های دشوارتری است و مشکلترین قسمت آن یک شکاف شیب منفی درجه VI است. بعد از آن شیبهای تند برف و یخ به پله دوم منتهی می شوند که بالای آن "یال قارچی" دشوار قرار دارد. این "یال قارچی" پلی است بین یال پایین و دیواره بالادست. بارگاه ۳ معمولاً بر روی ایوان بزرگی در کنار دابلام برپا می شود.

روز قله بسیار جذاب است. با شیبهای تند برف و یخ درست در سمت راست دابلام بالایی شروع می شود، با افت و خیزهای برفی بالا دست ادامه می یابد و در نهایت به یکی از زیبا ترین قله هایمالیا منتهی می گردد. هر کس که به این قله رسیده باشد بسیار از دستاورد خود رضایت خاطر می یابد چرا که حتی صعود از آسانترین مسیر آن یعنی همین یال جنوب شرقی نیز چالش زیادی به همراه دارد. مسیرهای دیگر نیز بسیار قابل توجه اند و تعداد بیشماری مسیر قابل صعود نیز وجود دارند که منتظر صعود کنندگان نشان مانده اند. از جمله رخ بسیار پرشیب شمال غربی که تا کنون دو تلاش برای صعود آن نافرجام مانده اند. هر مسیری که برای صعود انتخاب شود صعود آمادابلام، در قلب سولو خومبو تلاشی به یاد ماندنی خواهد بود.

نام کوه	آمادابلام
ارتفاع	۶۸۵۶ متر
مکان	هیمالیای ماهالانگور (Mahalangu)، بخش خومبو، شرق نپال.
مسیرها	یال جنوب غربی: ۱۵۰۰ متر صعود ابتدا بر روی گرانیت (درجه VI بر اساس معیارهای UIAA) و سپس بر روی برف و یخ ۵۰ تا ۶۰ درجه. رخ شمال شرقی: ۱۵۰۰ متر صعود. یک یخ نوردی بسیار جدی، پر شیب که شرایط گوناگون برف و یخ در آن قابل انتظار است، و از خطرات احتمالی نیز گریزی نیست. احتمالاً صعود آن

در فصلی غیر از زمستان بسیار خطرناک است.	
اولین صعود کوه	قله برای اولین بار در ۱۳ مارس ۱۹۶۱ توسط بری بیشاپ (اهل آمریکا)، مایکل وارد (اهل بریتانیا)، والی رومانس و مایکل گیل (اهل نیوزلند) صعود شد.
اولین صعود مسیرها	یال جنوب غربی: به توضیح قبل مراجعه شود. رخ شمال شرقی: ۱-۷ دسامبر توسط کارلوس بوهرلر و مایکل کندی (اهل آمریکا)
ارتفاع بارگاه اصلی	یال جنوب غربی: بارگاه اصلی پیشرفته در صورت دسترسی به آب در ارتفاع ۵۲۰ متر بالای مینگبو. رخ شمال شرقی: ارتفاع ۵۰۰ متر در کنار یخچال آمادابلام و بالاتر از دینگبوچه.
راه های دسترسی	جیری (Jiri)، ۱۰ روز راهپیمایی به سمت جنوب. البته بیشتر افراد به لوکلا پرواز می کنند تا هفته از این مدت را صرفه جویی کنند.
طول راهپیمایی	۳ یا ۴ روز از لوکلا
فصول مناسب	یال جنوب غربی: به نظر می رسد ماه های خشک تر زمستان یا بعد از مونسن برای صعود شرایط بهتری مهیا باشد. رخ شمال شرقی احتمالاً در فصلی بجز زمستان بسیار خطرناک است
مجوز	وزارت جهانگردی، کاتماندو
نرخ موفقیت	تا سال ۱۹۹۲ در حدود ۶۰ صعود موفق بر روی یال جنوب غربی و به همین اندازه صعود ناموفق انجام گرفته است. رخ شمال شرقی تا کنون صعود مجددی به خود ندیده است.
کتاب نگاری	از سال ۱۹۸۰ تا کنون چندین گزارش مصور در AAJ منتشر شده است. بهترین آنها یکی نوشته تام فراست (Tom Frost) در مجلد ۱۹۸۰ و دیگری توسط سو گیلر در سال ۱۹۸۳ به رشته تحریر در آمده است. همچنین مایکل کندی در شماره AAJ ۱۹۸۸ گزارشی در باره آمادابلام نوشته است. علاوه بر این مقالات گزارش صعود سال ۱۹۶۱ در کتاب های In This Short Span (Penguin, 1973) نوشته مایکل وارد و Mountain Midsummer (1969) نوشته مایکل گیل، ذکر شده است. همچنین مقاله جذاب دیگری در مجله نشنال جئوگرافی شماره ۱۲۲، اکتبر ۱۹۶۲ در باره این صعود به قلم بری بیشاپ چاپ شده است.